

تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)

اسماعیل اقبال^{*۱}

۱- استادیار رشته مطالعات فرهنگی دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله بر آن است تا مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ را مورد مطالعه قرار داده و نشان دهد که چگونه ترکیه در این یک دهه برخلاف دوره حاکمیت سکولارها تلاش کرده است تا به جای تأکید بر قدرت مادی به افزایش قدرت نرم خود در دو سطح ملی و فراملی بپردازد. نویسنده این مقاله درصدد است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال که مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در دو سطح ملی و فراملی در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ کدام‌اند، پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در دو سطح ملی و فراملی بر اساس هنجارها در فرآیند تعامل بین گروه‌ها و جریان‌ها در داخل این کشور و تعاملات این کشور با سایر کشورها شکل گرفته است. رفتار رهبران حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد که این کشور چون گذشته در تأمین منافع ملی خود صرفاً بر قدرت مادی تأکید نمی‌کند، بلکه بر هنجارها و ارزش‌هایی تأکید دارد که هویت این کشور را بر ساخته‌اند. هویتی که بر اساس آن منافع ملی این کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی، قدرت، نفوذ، قدرت نرم، ترکیه.

ظهور اسلام‌گرایان از دهه‌ی نود میلادی به بعد در صحنه سیاسی ترکیه و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در سه دوره پیاپی در دو دهه نخست هزاره سوم یکی از تحولات مهم در ترکیه از زمان شکل‌گیری دولت لائیک در سال ۱۹۲۳ تا به امروز به حساب می‌آید. طبیعی است تحول مزبور موجب یک دگرگونی اساسی در استراتژی منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور در سیاست خارجی شده است. یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با استراتژی جدید ترکیه در دوره زمامداری اسلام‌گرایان باید به آن توجه شود، نفوذ تدریجی و آرام این کشور در منطقه خاورمیانه است که از طریق قدرت نرم صورت می‌گیرد. رهبران اسلام‌گرا در یک دهه گذشته از دوره زمامداری خود، روابط نزدیکی با اکثر کشورهای عربی و اسلامی برقرار کرده‌اند. ترکیه در این دوره موفق شده است تا با بیش‌تر کشورهای اسلامی از خاورمیانه گرفته تا کشورهای آسیای میانه، روابط اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی گسترده‌ای برقرار کند. حتی پس از وقوع انقلاب‌های عربی نیز رهبران اسلام‌گرا تلاش می‌کنند تا با معرفی الگوی اسلام‌گرایی در این کشور، گفتمان خاص خود را به سراسر منطقه گسترش دهند و از این طریق نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهند. در شرایط کنونی منطقه، رهبران اسلام‌گرای ترکیه تلاش می‌کنند تا در بیش‌تر مسائل مهم منطقه نقش‌آفرینی کنند؛ رهبران اسلام‌گرا با ایفا نقش میانجی در مسائل مهم منطقه، درصدد هستند تا این کشور را به یک کشور تأثیرگذار در خاورمیانه تبدیل کنند. از آغاز هزاره سوم، آنکارا نشان داد که از وضعیت و نقش کمرنگ خود در خاورمیانه ناراضی است و تلاش کرده است با اقداماتی از جمله ایفای نقش میانجی بین فلسطین و اسرائیل، توجه به کنفرانس اتحادیه عرب، همکاری و حضور در میان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان، همراهی با نیروهای ناتو در افغانستان، ایفای نقش در برنامه هسته‌ای ایران، برقراری روابط متوازن با همسایگان خود، تلاش برای حل و فصل بحران‌های بالکان و مناقشات قفقاز و آسیای مرکزی و اخیراً تلاش گسترده رهبران ترکیه برای مدیریت انقلاب‌های عربی، نقش مؤثر و فعالی را در منطقه ایفا کند. روشن است که گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه نقش مهمی در افزایش قدرت نرم این کشور دارد و از سوی دیگر تحولات کنونی ترکیه مورد توجه جدی محافل علمی و سیاسی، هم در جهان غرب و هم در دنیای اسلام قرار گرفته است. با این توضیح، سؤال اصلی مقاله عبارت است از: مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در دو سطح ملی و فراملی در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ کدام‌اند؟ در مسیر پاسخگویی به این سؤال از شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی

برای بررسی موضوع استفاده شده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای-اسنادی بوده است. با این شیوه در مقاله حاضر، تلاش خواهد شد تا مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در دوره حاکمیت اسلام‌گرایان در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ مورد تحلیل و بررسی گیرد.

۱. چارچوب مفهومی و نظری

۱-۱. چارچوب مفهومی

الف. اسلام‌گرایی

واژه اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی دو واژه مترادف می‌باشند که مولود دنیای مدرن هستند و برای توصیف جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌روند که خواستار حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. با توجه به اینکه پس از ظهور مدرنیته غربی، مقوله دین از عرصه اجتماعی حذف شد، بنابراین به تدریج گروه‌هایی شکل گرفتند که معتقد بودند اسلام می‌تواند در مسائل اجتماعی و سیاسی نقش ایفا کند؛ این گروه‌ها به دلیل چنین اعتقادی، به گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای اسلامی معروف هستند. اسلام‌گرایی یا اسلام سیاسی صفتی است که به آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی گفته می‌شود که تلاش می‌کنند تا با تشکیل حکومت اسلامی و به دست آوردن قدرت سیاسی، جامعه اسلامی را بر اساس اصول اسلامی بازسازی کنند. به تعبیر بابی سعید، اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، برای تفکر درباره سرنوشت خویش از تعبیر اسلامی استفاده می‌کند و آینده سیاسی خود را در اسلام می‌بیند.

ب. قدرت

یکی از مفاهیم مهم در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل مفهوم قدرت است. بسیاری از سیاست‌شناسان روابط، قدرت را هسته سیاست می‌دانند و می‌گویند: آنچه روابط سیاسی را از دیگر روابط آن‌ها متمایز می‌کند، قدرت است. یا به بیان دیگر منظور از قدرت، قابلیت به اطاعت درآوردن و نظارت بر رفتار دیگران در تمامی روابط اجتماعی است؛ بدین معنا که در هر رابطه اجتماعی که فرد یا گروهی، فرد یا گروه دیگر را به اطاعت درآورد و بر رفتار او نظارت کند، قدرت وجود دارد. به عبارت دیگر، مفهوم قدرت، تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است، به نحوی که آنچه می‌خواهیم، اتفاق بیفتد. «رابرت دال» در تعریف قدرت می‌گوید: قدرت رابطه‌ای میان بازیگرانی است که در آن، بازیگری، دیگر بازیگران را به عملی وامی‌دارد که در غیر این صورت آن عمل را

انجام نمی‌دادند (دال، ۱۳۶۴، ۱۲۹).

ج. نفوذ

«نفوذ» مفهومی ضعیف‌تر و درعین حال گسترده‌تر از مفهوم قدرت دارد؛ بنابراین قدرت با نفوذ برابر نیست. به گفته دال: «نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کنند» (دال، ۱۳۶۴، ۲۸). برای مثال، بچه بر والدین خود نفوذ دارد درحالی که قدرت ندارد. فردی یا کشوری ممکن است در موقعیتی یا در جایی قدرتمند و در موقعیت یا جای دیگر ممکن است قدرت نداشته باشد. در خصوص رابطه میان نفوذ و قدرت گفته می‌شود زمانی که نفوذ را افرادی اعمال می‌کنند که فاقد اقتدار هستند، همان قدرت است (عالم، ۱۳۷۸، ۹۵). نکته مهمی که در ارتباط با نفوذ باید به آن توجه کرد اینکه نفوذ ضمانت اجرایی ندارد، بنابراین اثر نفوذ ممکن است در کوتاه‌مدت یا درازمدت آشکار شود.

د. قدرت نرم

قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن - به جای اجبار یا امتیاز - می‌باشد، این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد، درواقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید بپذیرند، بدون آنکه برای این کار هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید. جوزف نای همچنین در کتاب «قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل» که در سال ۲۰۰۴ منتشر کرده است، می‌نویسد: قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که با جذب و اقناع دیگران جهت تحقق اهداف خود می‌خواهیم؛ او در این اثر قدرت نرم را توانایی دولت‌ها برای دستیابی به هدف دلخواه خود از راه اقناع و کشش و نه از طریق اعمال زور یا پرداخت پول می‌داند (Nye, 2004: 257). البته نای استدلال می‌کند که قدرت نرم فراتر از تأثیر صرف است؛ چراکه تأثیرگذاری از رهگذر قدرت سخت و نظام‌های تنبیهی یا پرداخت خسارت نیز به دست می‌آید. قدرت نرم بیش از وادار ساختن یا توانایی به تحرک درآوردن مردم با استدلال، توانایی جذب مردم به نحوی است که اغلب منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها در برابر خواسته‌ی ما می‌گردد (Nye, 2004: 6).

۱-۲. چارچوب نظری

با توجه به اینکه منابع و شاخص‌های قدرت نرم همواره ثابت نیستند، بلکه با تحول بسترها و شرایط، آن‌ها نیز تغییر می‌یابند. در تبیین چارچوب نظری تحقیق حاضر بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم نیز ضرورت دارد؛ اما با توجه به اینکه این شاخصه‌ها ممکن است متعدد و متنوع باشد، بنابراین در این مقاله تلاش شده است تا شاخصه‌های قدرت نرم را با استفاده از دیدگاه جوزف نای در خصوص مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و دیپلماسی مورد بررسی قرار دهیم.

اول. فرهنگ

فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه و زمینه‌ساز حرکت جوامع و مؤثر در شکل‌گیری الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج اهمیت پیدا کرده است. همواره نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته می‌شود و این زیرساخت‌های فرهنگی است که موجب سامان دادن به فعالیت‌های سیاسی در سطح سیاست داخلی و سیاست جهانی می‌شود. جوزف نای معتقد است فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال که به یک جامعه معنا می‌بخشد. (Nye, 2005:12). قدرت نرم همان قدرت فرهنگی کشورهاست که از طریق آن در سایر کشورها اعمال نفوذ صورت می‌گیرد؛ بنابراین فرهنگ منبع قدرت نرم در عرصه بین‌الملل است که کشورها با کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قابلیت خود برای تأثیرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایت بر دیگران را افزایش می‌دهند. قدرت نرم رفتار همراه با جذابیت قابل‌رؤیت، اما غیر محسوس است، چه در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. جوزف نای در این خصوص توضیح می‌دهد؛ «هنگامی که فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را علایق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می‌یابد» (نای، ۱۳۸۹: ۵۲).

دوم. سیاست

سیاست دومین منبع قدرت نرم به حساب می‌آید؛ مؤلفه سیاست نیز چون فرهنگ در دو سطح داخلی و خارجی می‌تواند به عنوان منبع قدرت نرم یک کشور محسوب شود. مشروعیت سیاسی یک عامل مهم در قدرت نرم یک دولت در داخل و خارج به حساب می‌آید؛ مشروعیت سیاسی یک دولت در داخل به وفاداری و حمایت آگاهانه مردم از آن

دولت مرتبط است، یعنی اینکه اتباع یک کشور اقتدار دولت را پذیرفته و باور داشته باشند که نهادهای موجود، کارهای خود را به خوبی انجام می‌دهند، به قانون عمل می‌کنند و از لحاظ اخلاقی شایسته هستند. موضوع اصلی مورد مطالعه در سیاست قدرت است و قدرت هنگامی مؤثر است که مشروع باشد، یعنی اینکه بر اساس رضایت مردم بنا شده باشد نه اینکه بر آن‌ها تحمیل شده باشد. نای در کتاب قدرت نرم خود تأکید می‌کند قدرت در عصر اطلاعات فقط ناشی از یک دفاع قدرتمند نیست، بلکه ناشی از به اشتراک‌گذاری جدی قدرت است؛ یعنی اگر توانایی‌های خود را با دیگر کشورها به اشتراک بگذاریم همکاری‌ها برای مقابله با چالش‌ها نیز افزایش خواهد یافت (نای، ۲۳۳، ۱۳۸۹).

سوم. اقتصاد

اقتصاد سومین مؤلفه‌ای است که می‌تواند در ایجاد و افزایش قدرت نرم یک کشور مؤثر باشد. بر خورداری مردم از رفاه اقتصادی، امنیت پایدار و شکوفایی و جذابیت، یکپارچگی با اقتصاد جهانی و منطقه‌ای با رقابت‌پذیری بالا، اقتصاد آزاد و باز، صادرات محور بودن، بر خورداری از قوانین و مقررات شفاف برای فعالیت‌های اقتصادی، بهره‌وری ملی بسیار بالا، کارآفرینی و نوآوری، اندک بودن نرخ بیکاری و اشتغال کاذب، اندک بودن نرخ تورم و بهره، بر خورداری مردم از سواد بالا و بالا بودن سرانه آموزش و یادگیری از مؤلفه‌های مهم اقتصادی در افزایش قدرت نرم یک کشور محسوب می‌شوند. همچنین مبادلات ارزی و تجاری، میزان تولید سرانه کشورها، تعداد شرکت‌ها (به‌ویژه شرکت‌های بین‌المللی)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، میزان مشارکت در ایجاد نهادها و مقررات تجاری بین‌المللی، میزان رفاه و امید به زندگی نیز از مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم یک کشور به حساب می‌آیند. نای در خصوص بهبود وضعیت رو به افول قدرت نرم آمریکا می‌گوید: آمریکا برای افزایش قدرت نرم خود باید علاوه بر ترویج ارزش‌هایی چون دموکراسی و حقوق بشر، در جهت بهبود وضعیت معیشتی کشورهای فقیر و مبارزه با فقر نیز تلاش کند. همچنین او تأکید می‌کند: ارائه کمک‌های اقتصادی از سوی آمریکا به کشورهای فقیر باعث می‌شود تا سایر کشورها از فرایند جهانی شدن استقبال کنند و این به نفع آمریکا خواهد بود (Nye, 2004).

چهارم. دیپلماسی عمومی

به عقیده جوزف نای، دیپلماسی عمومی، تبلیغات و روابط عمومی صرفاً نیست، بلکه شامل برقراری روابط طولانی‌مدتی است که محیط سازنده‌ای را برای سیاست‌های

حکومت فراهم می‌کند (نای، ۱۳۸۹: ۱۹۴). در عصر حاضر، اغلب کشورها تلاش می‌کنند تا هنجارها و ارزش‌های مشترک خود را که سازنده هویت جامعه خود است به هنجارها و ارزش‌های جهانی تبدیل نموده و به تدریج در فرهنگ جهانی سهیم شوند. دولت‌ها از طریق دستگاه دیپلماسی خود تلاش می‌کنند تا ارزش‌های داخلی خود را در فرهنگ جهانی که همان هنجارها، مقررات، قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی است از طریق مناسبات و تعاملات بین‌المللی خود به شکلی نشان دهند که با کمترین هزینه به اهداف و منافع ملی خود در جامعه جهانی دست پیدا کنند. این تلاش همان قدرت نرم است که از سوی دولت‌ها از طریق ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در افکار عمومی جهان، کسب پرستیژ بین‌المللی و مدیریت افکار عمومی جهانی صورت می‌گیرد. جوزف نای، در این خصوص معتقد است: هنگامی که جاذبه یک کشور در نزد دیگر کشورها از بین برود و نوعی بی‌اعتمادی در افکار عمومی آن کشورها نسبت به کشور دیگر ایجاد شود، طبیعی است که رهبران سیاسی برای رسیدن به اهداف خود باید هزینه بیشتری بپردازند (نای، ۱۳۸۹، ۲۲۶).

۲. مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در سطح ملی

۲-۱. اعتدال‌گرایی سیاسی

از لحاظ نظری رویکرد حزب عدالت و توسعه به اعتدال‌گرایی سیاسی (در چارچوب و گفتمان جامعه ترکیه) به صورت صریح و روشن در اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی این حزب بیان شده است. در اساسنامه حزب عدالت و توسعه با تأکید بر ارزش‌های بنیادین دموکراسی و آزادی‌های سیاسی بر دسترسی برابر تمامی شهروندان ترکیه به مناصب دولتی و حق رأی برای تمامی گروه‌ها و اقلیت‌ها تأکید شده است و تمامی افراد جامعه را برخوردار از حقوق یکسان و برابر در تمامی عرصه‌های اجتماعی دانسته است (AKP) (tuzuk, 2009). در بیانیه‌های انتخاباتی این حزب بدون اشاره به ملت ترک، تمام مردم ترکیه از هر گروه قومی و مذهبی، در برابر قانون یکسان فرض شده و هیچ گروهی بر گروه دیگر برتری ندارد (secimbeyannamesi, 2001/7/14). در اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی حزب عدالت و توسعه بر حق تمامی اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی و تمامی مردان و زنان برای انجام فعالیت‌های سیاسی و مشارکت در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تأکید شده است. حزب عدالت و توسعه به تبعیت از اصل ۶۷ قانون اساسی این کشور حق رأی برای کلیه اتباع ترکیه را که شهروند این جامعه محسوب

می‌شوند، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، به عنوان جز لایتغیر اساسنامه و بیانیه‌های انتخاباتی خود به حساب می‌آورد. (1982/11/7: Türkiye Cumhuriyeti Anayasası)

در بیانیه‌ها و مواضع حزب عدالت و توسعه بر حق برابر همه شهروندان ترکیه برای مشارکت در فرآیند تدوین قانون اساسی تأکید شده است؛ چون قانون اساسی مبنای سایر قوانینی است که باید از آن پیروی شود. حزب عدالت و توسعه در یک دهه از دوره حاکمیت خود به منظور دور ساختن نظامیان لائیک از عرصه سیاست و تقویت یک جامعه مدنی که در آن همه گروه‌ها و احزاب به طور یکسان و برابر در فرآیندهای سیاسی مشارکت داشته باشند، دست به اصلاح قانون اساسی زده است. یکی از شاخصه‌های دیگر که بیانگر اعتدال‌گرایی سیاسی در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه است، اینکه در کنار حق رأی برای تمامی شهروندان، برحق دسترسی برابر برای تمامی شهروندان به مناصب دولتی و عمومی نیز تأکید شده است. این حزب در مانیفست نخست خود در سال ۲۰۰۱ بر این حق تأکید کرده است. در این مانیفست بر برخورداری تمامی شهروندان ترکیه از هر مذهب و نژادی از مناصب دولتی و عمومی و سایر خدمات عمومی به طور برابر اشاره شده است. در بخشی از مانیفست حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ قبل از دستیابی این حزب به قدرت آمده است: «کلیه شهروندان و تمامی اعضا احزاب سیاسی آزادانه می‌توانند برای احراز مناصب سیاسی در کشور کاندیدا شوند» (secimbeyan- namesi, 2001/7/14).

۲-۲. توسعه مشارکت سیاسی

در گفتمان سیاسی رهبران حزب عدالت و توسعه، با اشاره به اصل ۶۷ قانون اساسی جمهوری ترکیه که بر حق تمامی شهروندان این کشور برای حضور در فعالیت‌های سیاسی تأکید کرده است (1982/11/7, Türkiye Cumhuriyeti Anayasası)، به مشارکت سیاسی راستین تمامی شهروندان در کارها برای به دست گرفتن سرنوشت جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به عنوان یکی از اهداف مهم حزب توجه شده است. در اساسنامه حزب عدالت و توسعه، دموکراسی فرآیندی است که جامعه را به سوی باز بودن، مشارکت بیشتر و کاهش اقتدارگرایی می‌برد. در اساسنامه این حزب آمده است: «استفاده آزاد همه از حقوق سیاسی، زمینه‌ساز حاکمیت اراده ملی است و استفاده آزاد همه از حقوق سیاسی تنها در چارچوب یک نظام دموکراتیک آزاد متصف به تعددگرایی و مشارکت، میسر است» (AKP tuzuk, 2009).

داوود اوغلو به عنوان معمار سیاسی خارجی ترکیه، در خصوص نقش و کارکرد احزاب

سیاسی بر این باور است که تمامی احزابی که دارای دیدگاه‌های گوناگون و متنوع هستند، باید تلاش کنند با بازسازی توان تشکیلاتی خود و با پرهیز از روزمرگی، به طور دائمی و با برنامه‌ریزی برای آینده کشور کار کنند. او تأکید می‌کند: کلیه احزابی که صاحب دیدگاه‌های خاص در سیاست خارجی کشور هستند، می‌توانند آن را در پارلمان ترکیه آزادانه به بحث بگذارند تا سیاست خارجی کشور بر اساس عقلانیت، رهبری و هدایت شود (داوود او غلو، ۲۰۱۱، ۷۲). در مانیفست انتخاباتی این حزب در سال ۲۰۰۱ با تأکید بر اینکه تمامی نهادهای مدنی باید در خدمت مردم باشند، بر رقابت آزاد احزاب برای دستیابی به مناصب عالی تأکید شده است. حزب عدالت و توسعه در مانیفست خود پیش از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، با اشاره به اینکه باید در مفهوم سیاست تجدیدنظر کرد، سیاست را، اراده جامعه برای ساختن حال بر اساس اصول و قواعد درست و برنامه‌ریزی صحیح برای آینده دانست؛ در این مانیفست تأکید شده است که به منظور فراهم کردن زمینه برای حضور مردم در عرصه سیاسی باید قانون احزاب در جهت رقابتی کردن فضای جامعه تغییر کند، بر اساس این مانیفست یکی از اهداف حزب عدالت و توسعه، تقویت دموکراسی برای افزایش حضور مردم در انتخابات است. در این مانیفست آمده است: «رقابت جزء لاینفک یک نظام دموکراتیک سالم است، این رقابت با دستیابی گروه حائز اکثریت آراء به قدرت، پایان می‌یابد، اکثریت با احترام به آراء اقلیت باید زمینه را برای مشارکت تمامی شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها فراهم سازد» (secimbeyannamesi, 2001/7/14).

۲-۳. تقویت تعامل‌گرایی

یکی از شاخصه‌های مهمی که می‌توان قدرت نرم ترکیه را در سطح ملی موردسنجش قرار داد، نگاه رهبران اسلام‌گرای ترکیه به مدرنیته و سنت در دو دهه اخیر است. از زمان تأسیس نظام لائیک در ترکیه تا دهه اخیر که اسلام‌گرایان از حزب عدالت و توسعه قدرت را به دست گرفتند، همواره سه جریان فکری در ترکیه بر سر چگونگی تعامل با سنت و مدرنیته در چالش با یکدیگر بوده‌اند. جریان اول کسانی هستند که با رد مطلق سنت، تنها راه‌حل برای مشکلات جامعه را، پذیرش بی‌چون و چرای مدرنیته و همراهی با غرب دانسته‌اند. جریان فکری دیگر، برخی گروه‌های سنت‌گرا هستند که هر نوع تعامل با غرب را رد می‌کنند و تنها راه‌حل مشکلات جامعه را در محوریت سنت به شکل متصلب آن می‌بینند. اما جریان سوم دیدگاه متفاوتی از دو گروه دیگر ارائه می‌دهد، این جریان معتقد است که با مدرنیته و سنت باید عقلایی و گزینشی برخورد کرد.



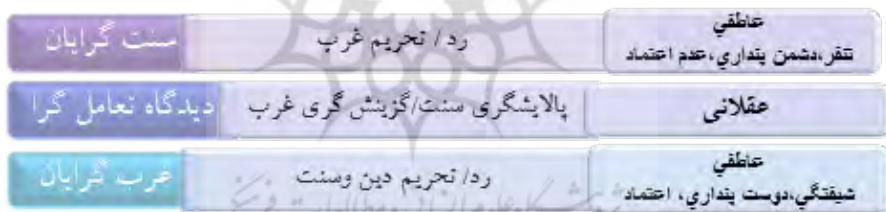
شکل ۱: واکنش جریان‌های فکری در ترکیه نسبت به مدرنیته

هرچند روند گرایش به غرب و مدرنیته و یا تقلید از مظاهر فرهنگی غرب، از دوره عثمانی آغاز شد و تا اضمحلال نظام امپراتوری عثمانی، همواره دو فرهنگ متضاد در کنار یکدیگر در این کشور وجود داشتند، اما با برقراری رژیم جمهوری به رهبری آتاتورک، روند تحولات فرهنگی در جهت تمدن غربی و قطع کامل با گذشته عثمانی ادامه پیدا کرد. در واقع کمالیست‌ها با هدف رها کردن تمدن شرق و پذیرش کامل تمدن غرب در صحنه فرهنگی ترکیه وارد شدند. این جریان که تا به امروز نیز رقیب جدی سنت‌گراها در ترکیه بوده است، با یک نگاه مطلق‌گرا به مدرنیته و دستاوردهای آن، بدون هیچ‌گزینه‌ش و انتخاب عقلایی آن را می‌پذیرد، در حالی که آموزه‌ها و تعالیم اسلامی را به‌طور مطلق رد می‌کند. در مقابل جریان غرب‌گرایی در ترکیه در سال‌های پس از تأسیس جمهوری لائیک در سال ۱۹۲۳ تا سال ۲۰۰۲، جریان فکری و فرهنگی دیگری وجود دارد که یک نگاه کاملاً مطلق‌گرایانه به سنت دارد؛ این دیدگاه فکری، هر نوع تعامل و همراهی با فرهنگ غرب را رد می‌کند و بر تمدن سنتی تأکید دارد. این جریان فرهنگی حتی قائل به گزینه‌ش دستاوردهای مثبت تمدن غرب نیز نیست، بلکه تمدن غرب را سراسر گمراهی و ضلالت می‌داند. در مقابل دو جریان فوق، یک جریان معتدل و میانه‌روی در ترکیه در دهه نخست قرن ۲۱ ظهور کرد که نگاه عاطفی و احساسی را نسبت به فرهنگ و تمدن غرب کنار گذاشت، بلکه با یک نگاه عقلایی و گزینه‌گر و با توجه به منافع ملی کشور، به تعامل با غرب و پذیرش دستاوردهای تمدن غرب پرداخت. این جریان نیز ادامه همان جریان اسلام‌گرایی در گذشته است، جریانی که با اسم حزب عدالت و توسعه عنوان یک جریان اصلاح‌طلب در مقابل جریان سنت‌گرا از حزب فضیلت ائت‌شعب نمود.

با نگاهی به اظهارات و سخنان رهبران حزب عدالت و توسعه به آسانی می‌توان با گفتمان تعامل‌گرای این حزب در قبال سنت و مدرنیسم، آشنا شد. حزب عدالت و توسعه از نوامبر سال ۲۰۰۲ میلادی که به قدرت رسید، همواره یکی از اهداف آشکار سیاسی خود را تعامل و گفتگو با شرق، همراه با حفظ رابطه خود با غرب و استفاده از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی تمدن غرب اعلام کرده است. تمایل قوی رهبران حزب عدالت و

توسعه برای ورود به اتحادیه اروپا، بیانگر رویکرد تعاملی آنها نسبت به تمدن و فرهنگ غرب است. رجب طیب اردوغان رئیس حزب عدالت و توسعه و نخست‌وزیر کنونی ترکیه، با اشاره به موقعیت و جایگاهی که ترکیه در غرب دارد از یک طرف و از سوی دیگر با توجه به پیشینه تمدنی و فرهنگی که در شرق دارد، تأکید می‌کند: این کشور در آینده یک الگوی مناسب برای همزیستی و تعامل بین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در جهان خواهد بود. از نظر او با توجه به الگوی موفق که این کشور از توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ارائه داده است، می‌تواند در جهت همزیستی و گفتگوی فرهنگ‌ها با یکدیگر نقش مؤثری ایفا کند (عبدالعاطی، ۲۰۱۰، ۲۶).

بدین ترتیب باید گفت: با توجه به محتوای اظهارات رهبران حزب عدالت و توسعه ترکیه و مانیفست انتخاباتی این حزب، جریان فکری سوم که از سوی رهبران و نخبگان حزب هدایت می‌شود، بر این باور است که در مواجهه با مدرنیته و سنت، باید ضمن پرهیز از نگاه عاطفی به آن، با یک تفکر عقلایی برخورد کرد. بدین معنا که آنچه که از تجربه تمدن غرب قابل استفاده است، باید فراگرفت و به کار بست و آنچه به عنوان میراث فکری جهان اسلام به ما رسیده است، باید پس از پالایش و زنگار زدایی، به کار بست.



شکل ۲: نوع واکنش جریان‌های فکری-فرهنگی در ترکیه نسبت به سنت و مدرنیته

۲-۴. هنجار سازی در سطح اجتماعی

در یک دهه از حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه تلاش شده است تا به منظور تحقق توسعه و رشد اقتصادی این کشور هنجارها و ارزش‌هایی که موجب تقویت و بالا رفتن قابلیت‌های حاکمیت در داخل می‌شود، نهادینه شود. این هنجارسازی در یک دهه اخیر به مقامات دولتی انگیزه داده است تا بر اساس منافع جمع عمل کنند. افکار عمومی در ترکیه در سال‌های حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر تصمیم‌گیری‌های مسئولان این کشور بسیار تأثیرگذار بوده است. رهبران حزب عدالت و توسعه تلاش کرده‌اند تا حق

اظهارنظر برای تمامی گروه‌ها وجود داشته باشد. افکار عمومی در ترکیه به عنوان یک شاخص از هنجارهای اجتماعی، توانسته است رفتار دولت‌مردان را بر اساس انتظاراتی که جامعه از آن‌ها دارد تنظیم کند. دولت‌مردان اسلام‌گرای ترکیه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ نیز در تبیین سیاست خارجی خود با توجه به افکار عمومی جامعه بر اساس منطق تناسب عمل کرده‌اند.

رهبران حزب عدالت و توسعه در تعامل با گروه‌ها و جریان‌های گوناگون در داخل اعم از قومی، نژادی و مذهبی نیز سعی کرده‌اند با استفاده از ابزارهای مناسب و یک مشی عقلایی با تمامی این گروه‌ها، به طور مسالمت‌آمیز به نتیجه مطلوب برسند. از سوی دیگر، ترکیه در عرصه سیاست خارجی نیز با اتکا به افکار عمومی، تعامل با سایر کشورها را در پیش گرفته است. در داخل ترکیه افکار عمومی به عنوان یک شاخص هنجار اجتماعی، در اصلاح قانون اساسی نیز مورد توجه جدی بوده است. بازنگری قانون اساسی و برگزاری رفراندوم در سه مرحله در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که با هدف محدود ساختن نفوذ نظامیان و محاکم قضایی لائیک در روند سیاسی کشور صورت گرفت، بیانگر توجه رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه به افکار عمومی بوده است. بدین علت بود که تمامی جریان‌های سیاسی و اجتماعی مختلف اعم از اسلام‌گرا و سکولار، سنتی و مدرن، طبقه پایین و مرفه به آن رأی دادند. حزب عدالت و توسعه از روزهای قبل از رسیدن به قدرت تا به امروز، همواره بر اجرای قانون اساسی به عنوان نهادی که می‌تواند تدابیر مناسب را در جهت تعدیل و تطابق منافع متفاوت برای رسیدن به سیاست‌های مشترک ایجاد کند، تأکید می‌کند؛ زیرا قانون اساسی با ایجاد الگوهای اخلاقی، بر اولویت‌ها و کنش‌های اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد. حزب عدالت و توسعه قبل از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، در برنامه‌های حزبی خود با اشاره بر تشکیل دولت مبتنی بر حاکمیت قانون، تأکید می‌کند (secimbeyannamesi, 2001/7/14).

برنامه‌های حزبی و مواضع انتخاباتی: یکی دیگر از شاخص‌هایی که می‌توان بر اساس آن هنجارهای اجتماعی تأثیرگذار بر تحولات داخلی و خارجی در ترکیه را در یک دهه اخیر مورد سنجش قرار داد، برنامه‌های حزبی و مواضع انتخاباتی احزاب گوناگون با سلاقی متفاوت است. با توجه به پایبندی رهبران حزب عدالت و توسعه به قواعد بازی در ساختار دموکراتیک، زمینه برای بیان برنامه‌ها و مواضع احزاب گوناگون ترکیه در یک فضای آزاد و باز فراهم شده است. رجب طیب اردوغان در یکی از سخنرانی‌های خود پس از انتخابات سال ۲۰۱۱ می‌گوید: ما قانون اساسی جدید را با تفاهم وسیع احزاب

سیاسی و نهادهای مدنی تدوین خواهیم کرد. این قانون اساسی کثرت‌گرا و طرفدار آزادی خواهد بود، این قانون اساسی طرد‌کننده نخواهد بود، بلکه همه را در بر خواهد گرفت (Erdogan, 2011/04/16). حزب عدالت و توسعه در مانیفست انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۱ با اشاره به اینکه در ترکیه باید احزاب گوناگون با دیدگاه‌ها و سلاقی متنوع تشکیل شوند، تأکید می‌کند: ما باید زمینه را برای کلیه شهروندانی که می‌خواهند حزب تشکیل دهند، تسهیل کنیم. تمامی این احزاب که توسط مردم تشکیل شده‌اند، می‌توانند لوايح و برنامه‌های خود را بنا بر سلاقی خاص خود ارائه دهند و باید امکان فعالیت سیاسی مناسب برای آن‌ها فراهم شود (secimbeyannamesi, 12 Haziran 2011, 16).

۳. مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در سطح فراملی

۳-۱. تعامل‌گرایی سازنده در سیاست خارجی

با توجه به اینکه سیاست خارجی یک کشور برساخته از سیاست داخلی آن کشور است، رهبران حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر، به سیاست یک‌جانبه‌گرایانه کمالیست‌ها در سیاست خارجی این کشور پایان داده و با اتخاذ یک سیاست چندوجهی با استفاده از قدرت نرم به دنبال تعامل سازنده با تمامی کشورها در غرب و شرق هستند. مؤلفه‌های سیاسی و فرهنگی که موجب هنجارهای اجتماعی و هویت جدیدی در داخل ترکیه شده است، جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور را کاملاً دگرگون ساخته است. داوود اوغلو در کتاب «عمق استراتژیک» خود، تعامل‌گرایی در سیاست خارجی را اتخاذی سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، متوازن، چندوجهی، همگرا با کشورهای همسایه و فراتر از آن، با شناخت دقیق از معادلات سیاسی به عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین‌الملل و منطقه تعریف می‌کند (داوود اوغلو، ۲۰۱۱: ۶۱۴).

داوود اوغلو معمار سیاست خارجی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه، با تأکید بر نقش هویت در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، معتقد است که ترکیه به دنبال کسب هژمونی در مناطق پیرامونی خود نیست، بلکه باید در جهت ایجاد صلح و ثبات در این مناطق تلاش کند. او با اشاره به هویت‌های چندگانه ترکیه که متأثر از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور است، تأکید می‌کند: ترکیه در سیاست خارجی خود باید بتواند همزمان با تمام مناطق پیرامون خود تعامل کرده و در آن‌ها حضور داشته باشد (داوود اوغلو، ۲۰۱۱: ۶۱۱). داوود اوغلو که سیاست خارجی ترکیه را از سال ۲۰۰۲ تئوریزه کرده است، در کتاب «عمق استراتژیک» خود استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه دارای

توازن و تعادل نیست، چون تأکید بیش از حد بر رابطه با اروپای غربی و آمریکا و غفلت از رابطه با سایر کشورها به ویژه خاورمیانه، کشور را از ایفا نقش بزرگ تر در منطقه باز داشته است. از نظر داوود اوغلو، ترکیه با خاورمیانه، اروپا، قفقاز و بالکان همسایه است، اما جزء هیچ یک از آنها نیست، بنابراین باید با همه آنها تعامل سازنده داشته باشد (داوود اوغلو، ۲۰۱۱: ۱۴۵). از نظر رجب طیب اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می تواند با مجموعه ای از کشورها مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می شود که کمتر کشوری چنین پتانسیلی را داراست (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

۲-۳. تأثیر گذاری و نفوذ منطقه ای

با دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت در ۳ نوامبر ۲۰۰۲، رهبران ترکیه تلاش کرده اند تا فقط به داخل ترکیه محدود نشوند، بلکه همواره تأکید کرده اند که ترکیه باید در تحولات منطقه ای به عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود و به جای انتظار، ابتکار عمل را در دست گیرد. ترکیه با استفاده از قدرت نرم از دو طریق درصدد تأثیر گذاری و نفوذ در منطقه خاورمیانه است:

نخست اینکه از طریق میانجی گری و برقراری صلح در منازعات سیاسی در خاورمیانه و مشارکت در ائتلاف ها و سازمان های منطقه ای درصدد تأثیر گذاری و نفوذ در منطقه است. دیگر اینکه با الگوسازی در سطح ملی تلاش می کند مدل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر خود را به سایر کشورهای منطقه منتقل سازد. داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه در خصوص جایگاه ترکیه در منطقه خاورمیانه به عنوان یک الگو برای تمامی کشورها این منطقه تأکید می کند: "ترکیه رقیب هیچ کشوری در منطقه نیست، ما در خاورمیانه به دنبال ایجاد موازنه با ایران و یا مصر نیستیم، ترکیه خودش به تنهایی مرکز ثبات در منطقه خاورمیانه است" (سعید محفوظ، ۲۰۱۲: ۸۹).

۳-۳. دیپلماسی فرهنگی

یکی از عوامل مؤثر در افزایش قدرت نرم ترکیه در سطح فراملی، استفاده از دیپلماسی فرهنگی توسط رهبران حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر بوده است. در سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ رهبران ترکیه با استفاده از دیپلماتیک از فرهنگ، تلاش کرده اند تا منافع سیاسی، تجاری و راهبردی کشور خود را در سطح فراملی بهبود بخشند. رهبران حزب عدالت و توسعه با استفاده از دیپلماسی فرهنگی تلاش می کنند تا جایگاه و اعتبار این

کشور را در نزد افکار عمومی بالا برده و با ارائه چهره مثبت از خود، سطح نفوذ و کنشگری خود در منطقه را افزایش دهند. رهبران حزب عدالت و توسعه بر این باورند که ترکیه با توجه به قابلیت‌های فرهنگی خود در سطح ملی، می‌تواند در سطح فراملی نیز قدرت نرم خود را از طریق دیپلماسی فرهنگی که امکان و توان نفوذ این کشور در منطقه را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ممکن می‌سازد، افزایش دهد. داوود اوغلو که سکان‌دار سیاست خارجی ترکیه در دهه اخیر بوده است، با اشاره به اینکه ترکیه دارای یک هویت چند فرهنگی است، تأکید می‌کند: دیپلماسی نباید اختصاصاً در دست دیپلمات‌ها رها شود، بلکه جامعه دانشگاهی و عموم جامعه باید در این فرایند وارد شوند (داوود اوغلو، ۲۰۱۱: ۶۱۶). این سخن بیانگر این است که استفاده از دیپلماسی فرهنگی به جای دیپلماسی سنتی، برای افزایش نفوذ و تعامل این کشور با کشورهای منطقه بسیار مؤثرتر است.

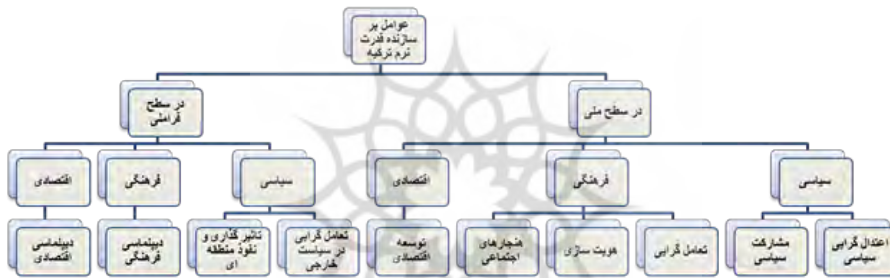
۳-۴. دیپلماسی اقتصادی

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه یک تحول جدی در اقتصاد این کشور ایجاد شد. فعال شدن دیپلماسی اقتصادی ترکیه در این دوره به طور مستقیم با تغییرات کلی رخ داده در اقتصاد این کشور پس از سال ۲۰۰۲ در ارتباط بوده است. هنگامی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید ترکیه درگیر بحران اقتصادی شدیدی بود. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۲ ترکیه همه بخش‌های جامعه اعم از فقیر، ثروتمند، افراد تحصیل کرده و تحصیل‌نکرده را در بر گرفته بود. افزایش هفتاد درصدی تورم، رشد پایین اقتصادی، سقوط قابل توجه درآمدها و افزایش چشمگیر بیکاری در سال ۲۰۰۱ اقتصاد این کشور را با بحران جدی مواجه ساخته بود. با توجه به اینکه حزب عدالت و توسعه در مانیفست سال ۲۰۰۱ خود وعده اصلاحات در ساختار اقتصاد این کشور داده بود، هرگونه مقاومت در برابر اصلاحات در عرصه اقتصادی این کشور درهم شکسته شد و این حزب موفق شد تا در انتخابات سال ۲۰۰۲ به پیروزی قاطعی دست یابد. سیاست آزادسازی اقتصادی از سوی این حزب در یک دهه اخیر موجب شد تا دست کنشگران خارجی چون صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا برای شتاب بخشیدن به اصلاحات اقتصادی در این کشور باز شود.

سیاست آزادسازی اقتصادی که به شکل مؤثری در پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی این کشور در یک دهه اخیر نقش داشته است، متأثر از نگاه فکری این حزب به واقعیت‌های نظام اقتصاد جهانی لیبرال است. دولت حزب عدالت و توسعه در این خصوص اعتقاد

دارد که این کشور خود را باید با واقعیت‌های نظام اقتصاد جهانی لیبرال منطبق کند (Bacik, 2006: 303). با توجه به این رویکرد، حزب عدالت و توسعه در مانیفست انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۱ تصریح می‌کند:

«ما از همان آغاز ورود به عرصه حاکمیت کشور تغییرات در اقتصاد جهانی را تحت نظر داشتیم. تحلیل‌ها و ارزیابی‌های اقتصادی ما بر اساس این تحولات صورت می‌گیرد، ترکیه بر اساس معیارهای قانونی اقتصاد جهانی در یک شرایط آزاد و رقابتی تصمیم می‌گیرد. کشور ما مرزهای خود را به روی تمامی جهان گشوده است، چون توسعه اقتصادی پایدار جز از طریق یک دموکراسی قوی مبتنی بر قواعد و مقررات بین‌المللی و اقتصاد رقابتی امکان‌پذیر نیست» (secimbeyannamesi, 12 Haziran 2011: 16).



نمودار شماره ۱: مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان داد که مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه در دو سطح ملی و فراملی را می‌توان بر اساس هنجارها در فرآیند تعامل بین گروه‌ها و جریان‌ها در داخل این کشور و تعاملات این کشور با سایر کشورها تبیین کرد. حزب عدالت و توسعه ترکیه با اصلاح قانون اساسی در جهت کاهش نقش نظامیان در عرصه سیاست، زمینه را برای تعامل هرچه بیش‌تر این کشور با سایر کشورها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم کرده است. ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر، با تأکید بر ارزش‌ها و هنجارها، افزایش مشروعیت سیاسی از طریق افزایش مشارکت سیاسی برای همه احزاب و گروه‌ها، گسترش و کارآمدی جامعه مدنی، تعامل و برخورد معتدل با همه اقلیت‌ها و گروه‌های قومی در چارچوب قانون، افزایش کارایی و کارآمدی دولت در عرصه اقتصادی و سیاسی و تقویت انسجام و اتحاد داخلی، قدرت نرم خود را در عرصه ملی نیز افزایش داده است. ترکیه در دهه اخیر به منظور افزایش قدرت نرم خود در سطح ملی و فراملی، به بسازی هویت جدیدی از خود اقدام کرده است که منافع این کشور به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای را بر اساس آن تعریف می‌کند. رفتار رهبران حزب عدالت و توسعه نشان می‌دهد که این کشور چون گذشته در تأمین منافع ملی خود صرفاً بر قدرت مادی تأکید نمی‌کند، بلکه بر هنجارها و ارزش‌هایی تأکید دارد که هویت این کشور را بر ساخته‌اند، هویتی که بر اساس آن منافع ملی این کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف می‌شود.

از سوی دیگر ترکیه در یک دهه اخیر با استفاده از ابزار دیپلماسی هم در عرصه فرهنگی و هم اقتصادی، تلاش کرده است تا افکار عمومی منطقه و جهان را نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود مدیریت کند. رهبران حزب عدالت و توسعه با تأکید بر پیشینه تاریخی و تمدنی خود در دوره امپراتوری عثمانی و جایگاه جغرافیایی و زبانی خود در منطقه و جهان درصدد هستند تا از طریق دیپلماسی فرهنگی، نگاه مثبتی را در افکار عمومی منطقه و جهان نسبت به خود ایجاد کنند. تلاش برای الگو قرار گرفتن این کشور از سوی کشورهای منطقه، یکی از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه بوده است. ترکیه با بسازی یک هویت متکثر چندوجهی و ساختن سازه‌ها و هنجارهای مشترک در سطح ملی و نهادینه کردن این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در سطح فراملی از طریق ایجاد یک فضای بین‌الذهانی، توانسته است تا تصویر مثبتی از خود در سطح منطقه و جهان ارائه دهد. ترکیه همچنین با برنامه‌ریزی درست در عرصه اقتصادی تلاش کرده است تا

به سطح قابل توجهی از پیشرفت و توسعه در داخل دست یابد. موفقیت رهبران حزب عدالت و توسعه در روند اصلاحات داخلی در عرصه سیاسی و فرهنگی، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی در این کشور در داخل فراهم کرده است. ترکیه در یک دهه اخیر، تلاش کرده است تا از طریق پیشرفت‌های اقتصادی به جذابیت‌ها و موقعیت‌های خود در نزد افکار عمومی مردم منطقه بیفزاید و قدرت نرم این کشور را از طریق مطرح کردن خود به عنوان یک الگوی موفق اقتصادی افزایش دهد. این استراتژی، نقش مؤثری در پیشبرد و بهبود دیپلماسی اقتصادی این کشور، در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش مبادلات تجاری با کلیه کشورهای جهان و جذب توریسم با درآمدهای حاصل از آن داشته است.



منابع

- دال. رابرت (۱۳۶۴)؛ *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*؛ مترجم: حسین ظفریان؛ تهران: نشر مترجم.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، *بنیادهای علم سیاست*؛ تهران: نشر نی.
- نای، جوزف، (۱۳۸۹)، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، مترجمان: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- امید، علی؛ رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم.
- سعید محفوض، عقیل (۲۰۱۲)، *السیاسه الخارجیه التركیه: الاستمراریه-التغییر، بیروت: المرکز العربی للابحاث ودراسه السياسات*.
- عبدالعاطی، محمد (۲۰۱۰)، *ترکیا: بین تحديات الداخل و رهانات الخارج*، الدوحه: مرکز الجزیره للدراسات.
- احمدأوغلو، داوود (۲۰۱۰)، *العمق الإستراتيجی - موقع ترکیا و دورها فی الساحة الدولیه*، ترجمه: محمد جابر ثلجی وطارق عبد الجلیل، بیروت: الدار العربیه للعلوم.
- Bacik, Gokhan (2006), "turkey and pipeline politics", *Turkish Studies*, Vol. 7, No. 2, June.
- Nye, Joseph S(2004), *Soft Sower: The Means to Success in World Politics*, New York: Publish Affairs.
- Nye, Joseph S(2005), "Soft Power and Heigher Education" at: www.educase.edu/ir/library/pdf/ffp0502s.pdf.

- Nye, Joseph S(2004), “Soft Power”, at: <http://www.futurecasts.com/Book%20review%206-4.htm>.

- AKP Tuzuk(2009), at: <http://www.akparti.org.tr/site/akparti/parti-tuzugu>.

- SecimBeyannamesi, (2001, 2007&2011), at: <http://www.akparti.org.tr/site>.

- TürkiyeCumhuriyetiAnayasası(1982), at:http://www.tbmm.gov.tr/anayasa/anayasa_2011.pdf.

- Erdogan(2011), “BaşbakanErdogan’ın 2011 GenelSeçimleriSeçim”, at: <http://www.akparti.org.tr/site/haberler/basbakan-erdoganin-2011-genel-secimleri-secim-beyannamesi-aciklamasinin-tam/7171#NaN>.

